

# در جستجوی سنجش سرمایه فرهنگی<sup>۱</sup>

حیدر جانعلیزاده چوب بستی<sup>۲</sup>

غلامرضا خوش فر<sup>۳</sup>

مهدی سپهر<sup>۴</sup>

## چکیده

فرهنگ محتوای کانونی روابط اجتماعی و مبین شیوه ی زندگی واحد های اجتماعی است. ابعاد ذهنی و عینی فرهنگ می تواند منابع تسهیل کننده نحوه ی احساس، اندیشه و عمل (سرمایه فرهنگی) به حساب آیند. مطالعه ی این نوع سرمایه و نقش آن در ابعاد مختلف زندگی انسان و عاملان اجتماعی به طور روزافزونی در حال گسترش است. عرصه ی تعلیم و تربیت بیش از دیگر حوزه های دانشگاهی شاهد بررسی های نظری و تحقیقاتی این مفهوم بوده است. اما بندرت می توان مطالعاتی را یافت که به طور مستقل و جامع به سنجش این مفهوم مبادرت نموده باشند. این خلأ در عرصه ی علمی دانشگاهی ایران بیشتر احساس می شود. این مقاله از طریق بررسی نظریه سرمایه فرهنگی و مرور نحوه ی مفهوم سازی و عملیاتی نمودن سرمایه فرهنگی در پژوهش های موجود و قابل دسترس سعی نموده است مدلی را برای سنجش این مفهوم جستجو و ترسیم نماید.

**واژه های کلیدی:** سنجش سرمایه فرهنگی؛ ابعاد عینی و ذهنی فرهنگ؛

مدل بازتولید فرهنگی بوردیو؛ مدل تحرک فرهنگی دیمجیو

## مقدمه و بیان مساله

بعد از ماکس وبر نظریه پردازان اجتماعی نقش منابع فرهنگی را همچون منابع اقتصادی در شکل دادن به ساختارهای قدرت مورد توجه قرار دادند، ولی فقط با کار پیر بوردیو محققان به صورت مشخص از رویکرد فرهنگی مبتنی بر ارزش های ذهنی زیبایی شناختی فاصله گرفتند و به سمت توضیح قدرت نمادین آن در شکل دادن به نابرابری های اجتماعی حرکت نمودند. «سرمایه فرهنگی» یا استفاده از فرهنگ به عنوان یک منبع قدرت شامل عوامل مبتنی بر فرهنگ و شاخص های ثروت نمادین است که به تعریف طبقه یک شخص کمک می کند (بوردیو، ۱۹۸۶؛ بوردیو و پاسرون، ۱۹۷۷). بوردیو این اصطلاح را برای تحلیل اثر فرهنگ بر نظام طبقه و رابطه بین کنش و ساختار اجتماعی وضع نمود (لامونت و لاریو، ۱۹۸۸). او فرهنگ را سرمایه ای می داند که امکان دسترسی انحصاری به پاداش های کمیاب را فراهم می نماید و این قابلیت را دارد که در بین نسل ها انتقال یابد (لاریو و وینینگر، ۲۰۰۳). از نظر بوردیو این سرمایه نیز مانند سرمایه اقتصادی به صورت نابرابر در فضای اجتماعی توزیع شده است ولی این توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی، انعکاس نابرابری اقتصادی نیست، بلکه انعکاس استراتژی تشخیص و تمایز یا مبارزه طبقاتی در یک فرهنگ است (توسلی، ۱۳۸۳). علاوه بر این به خاطر اختلاف در مصرف تولیدات فرهنگی با دیگر ابعاد ساختار اجتماعی مرتبط می گردد و مطالعه سرمایه فرهنگی در ارتباط با هر نوع مطالعه نابرابری اجتماعی قرار می گیرد (وانگ و همکاران، ۲۰۰۶).

مفهوم سرمایه فرهنگی در چهار دهه گذشته نقش برجسته ای در شکل گیری پژوهش های تجربی رشته های علمی گوناگون مثل جامعه شناسی، تاریخ، مطالعات فرهنگی و پژوهش های فمینیستی داشته است. این مطالعات به بررسی نقش فرهنگ و منابع فرهنگی در عرصه نابرابریهای اجتماعی پرداخته اند. جامعه شناسی خاصه جامعه شناسی آموزش و پرورش، بیش از سایر رشته ها و حوزه ها پذیرای این مفهوم در قلمرو پژوهش های تجربی بوده است. نقش سرمایه فرهنگی در نابرابریهای تحصیلی طبقات مختلف و تأثیر بر اخذ راری از این سرمایه در بهره مندی بیشتر از فرایند تحصیل، از جمله موضوعاتی بوده است که بسیاری از پژوهش های تجربی در سراسر جهان به آن

پرداخته اند. نکته قابل تامل در مطالعات تجربی حوزه آموزش و پرورش و حوزه های دیگر این است که این پژوهش ها قرائت ها و تفاسیر گوناگونی از مفهوم و شاخص های سنجش آن ارائه نموده اند و برای عملیاتی نمودن آن از شیوه ها و مقیاس های واحدی استفاده نکرده اند. این ویژگی، مقایسه نتایج مطالعات انجام شده را دشوار ساخته است. "سرمایه فرهنگی چگونه قابل سنجش است؟" پرسشی است که کمتر به صورت مستقل مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. این مقاله سعی دارد ضمن بررسی نظریه سرمایه فرهنگی خاصه از منظر دو نظریه پرداز قابل ملاحظه ی آن؛ پیر بوردیو و دیمجیو و نیز تعاریف و شاخص های به کار رفته برای سنجش سرمایه فرهنگی در مهمترین پژوهش های انجام شده و قابل دسترس در حوزه جامعه شناسی آموزش و پرورش، یک طبقه بندی منطقی برای سنجش سرمایه فرهنگی در سطح خرد ارائه نماید. انجام این مهم، ضمن اینکه می تواند تلاشی به سوی تعریف نظری و عملیاتی این مفهوم محسوب شود، همچنین می تواند در انجام پژوهش های تجربی در حوزه های مختلف علمی خاصه جامعه شناسی آموزش و پرورش کمک اساسی تلقی شود.

### ماهیت سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی چیست؟ از مفهوم سرمایه فرهنگی تعریف واحدی ارائه نشده است. دارائی های فرهنگی، آموزش و دانش، ذائقه ها<sup>۱</sup> و ترجیحات<sup>۲</sup> و اطلاعات خاص<sup>۳</sup> افراد از سیستم های نهادی مثل نهاد آموزشی (جی گر و هولم، ۲۰۰۷)، تحصیلات رسمی (دیمجیو، ۱۹۸۲)، مدیریت تعامل نهادی (لاریو و وینینگر، ۲۰۰۳)، تعاملات فرهنگی فضای خانواده (ترامونت و ویلیامز، ۲۰۰۹) و غیره برخی از تعریف هایی است که برای این مفهوم بیان شده است. برای ارائه تعریفی روشن و جامع از این مفهوم، به نظر منطقی است دیدگاه های اندیشمندانی که در این خصوص تلاش نموده اند، خاصه نظریه پردازان کلیدی این حوزه؛ پیر بوردیو و دیمجیو مرور و بررسی گردد.

هدف بوردیو از طرح نظریه سرمایه فرهنگی توضیح نقش تمایزات فرهنگی قراردادی در تعریف موقعیت های گوناگون فضای اجتماعی که قدرت و امتیازات متفاوتی را به همراه دارند، بعلاوه مکانیسم قرار گرفتن افراد در این موقعیت های متفاوت بود. بوردیو و پاسرون در پژوهش خود در سال ۱۹۷۷ در تبیین الگوهای نابرابر موجود در نتایج تحصیلی مدارس فرانسه معتقد بودند که نهادهای آموزشی با سبک های خاص تفکر، طبقه بندی و جهت گیری نسبت به کالاها و تجارب فرهنگی معتبر شناخته می شوند که برخی گروه های پایگاهی آنها را اعمال می نمایند، و تفاوت سرمایه فرهنگی دانش آموزان متعلق به طبقات اجتماعی گوناگون، بخشی از اختلافات تحصیلی آنها را توضیح می دهد. به اعتقاد آنها کسب مجموعه ای از قابلیت های فرهنگی در خانواده های طبقات بالا، منجر به توسعه ناآگاهانه و غیر مستقیم مجموعه ای از انتظارات، اولویت ها، و شیوه های کنش می گردد، که بوردیو آنها را منش های طبقه ای می نامد. این منش های طبقه ای یک ساختار پایدار و پویایی است که تفکرات، واکنش ها و انتخاب هایی را به وجود می آورد که سازگار با تلاش هایی است که در طی فرایند گسترش آن، جهت بازتولید محیط صورت می گیرند.

به نظر بوردیو هرگونه قابلیت که باعث تسهیل تخصیص میراث فرهنگی یک جامعه می گردد، می تواند به عنوان سرمایه تلقی شود. این قابلیت ها که دارای توزیع نابرابر در فضای اجتماعی هستند، زمینه ایجاد امتیازات انحصاری را فراهم می نمایند. علاوه براین، به اعتقاد بوردیو، در جوامعی که ساختار اجتماعی تمایز یافته و نظام آموزشی رسمی وجود دارد، این امتیازات از طریق نهادینه شدن معیارهای سنجشی که به نفع طبقات خاصی است، حاصل می گردد (بوردیو، ۱۹۷۷). بوردیو سرمایه فرهنگی را شکل غالب سرمایه نمادین در جوامعی می داند که در آنها نظام مدرسه و هنر نوشتن گسترش یافته است. در چنین جوامعی، سرمایه نمادین دارای مشخصاتی پایدار است و در قالب کتاب ها، عناوین نهادینه شده مثل مدارک تحصیلی و غیره ترسیم می گردد. براساس این رویکرد، سرمایه فرهنگی حداقل در مناطق شهری چند قرن قدمت تاریخی کاربردی دارد، هرگز گروه های مسلط مثل کارمندان دفتری، نمایندگان دستگاه های دولتی، یا روشنفکران، این سرمایه را به صورت انحصاری در اختیار داشتند، و سرمایه فرهنگی

وسيله ای در خدمت بازتولید موقعیت هایی بوده است که تحت کنترل نخبگان اجتماعی بوده است.

از نظر بورديو سرمایه فرهنگی در عرصه اجتماعی به سه شکل می تواند وجود داشته باشد که عبارتند از حالت «سرمایه فرهنگی درونی شده»<sup>۱</sup> به معنای گرایش های پدیدار ذهنی و جسمی، حالت «سرمایه فرهنگی عینیت یافته»<sup>۲</sup> به شکل مالکیت کالاهای فرهنگی نظیر تصاویر، کتاب ها، لغتنامه ها، ابزارها، ماشین آلات و غیره است و حالت «سرمایه فرهنگی نهادینه شده»<sup>۳</sup> در قالب مدارک تحصیلی افراد و نظایر آن است (بورديو، ۱۹۸۶).

در چند دهه گذشته پژوهشگران گوناگون تفاسیر و تعبیر گوناگونی از این مفهوم و مکانیسم های تاثیرگذاری آن در عرصه نابرابری های اجتماعی ارائه نموده اند. گروهی در قالب مدل بازتولید فرهنگی بورديو بر ارتباط بین پیشینه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و موقعیت های اکتسابی افراد تاکید دارند، در مقابل این رویکرد، گروهی دیگر در قالب مدل تحرک فرهنگی معتقدند که سرمایه فرهنگی نقش مهمی در شکل دادن به نابرابری های اجتماعی بازی می کند اما این نابرابریها بیشتر از آنکه ناشی از ارتقاء موقعیت های ممتاز انتسابی افراد باشد ناشی از توسعه فرصت های بیشتر برای طبقات پایین است. این مدل قائل به تعامل تاثیر گذار بین منابع فرهنگی والدین و پیشینه اجتماعی آنها و سرمایه فرهنگی فرزندان نیست. و اثرات پیشینه اجتماعی و سرمایه فرهنگی را مستقل در نظر می گیرد، خصوصاً سرمایه فرهنگی والدین را برای فرزندان لایه های بالا چندان مفید نمی داند (آشافبورگ و ماس، ۱۹۹۷).

دیماجیو<sup>۴</sup> نخستین کسی بود که نظریه سرمایه فرهنگی را در قالب مدل تحرک فرهنگی مطرح نمود. او معتقد بود که در جوامع مدرن غربی که متکی به اقتصاد بازار هستند نظم پایگاهی سنتی از بین رفته است و حریم هایی که در جوامع قبل برای تمایز گروه های پایگاهی مورد استفاده قرار می گرفتند متغیر و سیال شده اند. به همین

دلیل تاکید بر مشارکت در فرهنگ پایگاهی اهمیت بیشتری نسبت به عضویت در این پایگاهها پیدا کرده است. و این مشارکت صرفا در خانواده صورت نمی‌گیرد و باز هر جایی ممکن است نمادهای فرهنگ پایگاهی آموخته شود. « در چنین دنیای سیالی تجارب دوران کودکی و پیشینه خانوادگی تنها ممکن است تعیین کننده ضعیفی برای سرمایه فرهنگی فرد باشد». از آنجایی که عضویت گروهی منجر به تغییراتی در تجارب افراد و پیشینه آنها می‌گردد، و استراتژی منطقی و مفیدی برای مشارکت در فعالیت های فرهنگی طبقه متوسط است، می‌تواند باعث افزایش سرمایه فرهنگی و تحرک عمودی طبقات و گروه های پایین تر شود. بنابراین نکته اساسی این است که سرمایه فرهنگی تنها نقش بازتولید را نداشته، بلکه در تعدیل پایگاه اجتماعی هم موثر است (دیماجیو، ۱۹۸۲).

تفاوت اساسی بین دو مدل بازتولید اجتماعی و تحرک فرهنگی، در توافق (همخوانی) پایگاه اجتماعی<sup>۱</sup> است. بوردیو در نظریه خود پایگاه اجتماعی را دارای ابعاد گوناگون دانسته که با یکدیگر سازگاری و هماهنگی زیادی دارند. اعضای طبقات بالاتر بخشی از دارایی اقتصادی خود را به سرمایه فرهنگی تبدیل می‌کنند که فرزندان آنها، آنرا به ارث می‌برند. به همین نحو، افرادی که در طبقات پایین هستند و تحصیلات پایینی دارند، سرمایه اقتصادی کافی در اختیار ندارند تا آن را به سرمایه فرهنگی تبدیل نمایند، بنابراین فرزندان آنها در قلمرو داراییهای فرهنگی هم فقیر باقی می‌مانند. در مقابل این رویکرد، دیماجیو سخن از گروههای پایگاهی پراکنده<sup>۲</sup> می‌نماید. او و همفکرانش مستقیما با همخوانی پایگاهی مخالفت می‌کنند و برآنند که سرمایه فرهنگی به وسیله پایگاه اجتماعی تعیین نمی‌گردد. آنها نظریه خود را به شکل ساده بر پایه وجود پایگاه های ناسازگار<sup>۳</sup> بنا می‌کنند. گرچه همبستگی بالایی بین برتریها و مزایا از یک سو و شرایط نامساعد از سوی دیگر را در جوامع نابرابر مدرن انکار نمی‌کنند ولی معتقدند که این همبستگی ها کامل نیست و برتری در یک بعد، لزوما منجر به برتری در ابعاد دیگر

1-Consistency of social status

2-Diffuse status groups

3-Inconsistent statuses

نمی‌گردد (بلاسکو، ۲۰۰۳). علاوه بر مذاقه‌های نظری در خصوص معنای سرمایه‌ی فرهنگی، تعریف عملیاتی آن نیز در پژوهش‌های تجربی مدنظر قرار گرفته است.

### سرمایه فرهنگی در تحقیقات تجربی

راهیابی که فرهنگ و فرآیندهای فرهنگی، بازتولید اجتماعی و منازعات طبقه‌بندی اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، از موضوعات میان رشته‌ای است که در چهاردهه گذشته، مفهوم سرمایه فرهنگی نقش برجسته‌ای در پررنگ نمودن آنها در عرصه پژوهش‌های تجربی رشته‌های علمی گوناگون داشته است. جامعه‌شناسی و خصوصاً حوزه آموزش و پرورش بیش از هر حوزه دیگر، این مفهوم را در پژوهش‌های تجربی خود وارد نموده است. کاربرد مفهوم سرمایه فرهنگی در این پژوهش‌ها جهت تبیین نابرابریهای تحصیلی طبقات مختلف و تاثیر برخورداری از این سرمایه در بهره‌مندی بیشتر از فرایند تحصیل بوده است. این مطالعات تجربی از تعاریف و شاخص‌های سنجش گوناگونی برای این مفهوم استفاده نموده‌اند. هرچند توافقی عام بر سر این شاخص‌ها در پژوهش‌های تجربی وجود ندارد و کمتر پژوهشی به صورت مستقل اقدام به ساخت مقیاسی جامع جهت سنجش و پیمایش این مفهوم نموده است، اما اغلب این پژوهش‌ها از ترکیب داده‌های خاص و احیاناً متفاوت مطالعات گسترده مربوط به جامعه آماری، مقیاس‌هایی متفاوت را برای سنجش سرمایه فرهنگی ایجاد نموده‌اند. این شاخص‌ها شامل فعالیت‌های فرهنگی دوران کودکی مثل بازدید از تئاترها، موزه‌ها، کنسرت‌ها، مطالعه کتابها، شرکت در کلاس‌های فرهنگی و غیره، بعلاوه تملک اشیای فرهنگی از قبیل کتاب، وسایل دقیق و برخی از شاخص‌های دیگر سرمایه فرهنگی می‌شود. مروری بر مطالعات انجام شده در این خصوص، تأییدی برگزاره‌ی اشاره شده است.

پاول دیماجیو<sup>۱</sup> (۱۹۸۲) در پژوهش خود با عنوان «سرمایه فرهنگی و موفقیت‌های مدرسه‌ای: تاثیر مشارکت فرهنگ پایگاهی در نمرات دانش‌آموزان دبیرستان‌های

[www.SID.ir](http://www.SID.ir)

ایالات متحده آمریکا<sup>۱</sup> سرمایه فرهنگی را ابزاری برای تخصیص ثروت نمادین دارای تعیین اجتماعی و ارزشی که سزاوار جستجو و تصرف است، می‌داند. او برای سنجش سرمایه فرهنگی اقدام به ساخت مقیاسی می‌کند که شامل سه زیرمقیاس موجود در پروژه استعداد<sup>۲</sup> سال ۱۹۶۰ در ایالات متحده آمریکا می‌شد؛ ۱- مقیاس نگرش که میزان علاقه دانش آموزان به فعالیت‌ها و اشتغالات خاص، مثل هنر، موسیقی و ادبیات، همچنین نگرش فرد نسبت به «من یک فرد تحصیل کرده هستم» به عنوان مقیاسی برای سنجش تصویر فرد از خود، و سوالات مربوط به گرایش‌های شغلی می‌شد که همگی در یک مقیاس یک تا پنج مورد سوال قرار گرفته بود. ۲- مقیاس فعالیتها که شامل سوالاتی درباره میزان آفرینش‌های هنری، انجام فعالیت‌های هنری، حضور در حوادث هنری و فعالیت خواندن می‌شد. ۳- مقیاس اطلاعات که شامل آزمون‌های تنظیم شده پروژه استعداد یابی برای سنجش اطلاعات فرد درباره ادبیات، موسیقی، و هنر می‌شد. این آزمون‌ها شامل آشنایی با موضوعات مذکور، درک ارزش آنها، و دانش تاریخی درباره آن می‌شد و مهارت‌های فنی درباره دمسازی عملی با آن را شامل نمی‌شد. به عنوان مثال در آزمون اطلاعات موسیقی، از دانش آموزان در مورد آهنگسازان مشهور سوال می‌شد و نه در مورد ساختار آهنگ یا تار غالب آن.

رابینسون و گارنیر<sup>۳</sup> (۱۹۸۵) در پژوهش خود با عنوان «بازتولید طبقه در بین زنان و مردان در فرانسه»<sup>۴</sup> سرمایه فرهنگی را قابلیت‌های فرهنگی و زبانشناختی می‌داند که شامل خرید و امانت کتاب، حضور در موزه‌ها، تئاتر، کنسرت، فنون سخنرانی و مهارت‌های بین فردی می‌شود. او سرمایه فرهنگی را با مدارک تحصیلی که شرکت در هنر، موسیقی و ادبیات و زبانشناسی و سبک تعامل را مرجح می‌نماید، سنجیده است (لاریو و وینینگر، ۲۰۰۳).



**کاتسیلیس و رایبنسون**<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) در پژوهش خود با عنوان «سرمایه فرهنگی، موفقیت دانش آموزان و بازتولید آموزشی در کشور یونان»، سرمایه فرهنگی را قابلیت افراد در فرهنگ پایگاهی بالای جامعه و رفتارها، عادت ها و نگرش های وابسته به آن تعریف می نمایند. آنها سرمایه فرهنگی را با حضور افراد در تئاترها و سخنرانی ها و بازدید از موزه ها و گالری های هنری سنجیدند (لاریو و وینینگر، ۲۰۰۳).

**کالمیجن و کرای کمپ**<sup>۳</sup> (۱۹۹۶) در پژوهش خود با عنوان «نژاد، سرمایه فرهنگی و تحصیل: تحلیلی از روندها در ایالات متحده آمریکا»<sup>۴</sup> با استفاده از داده های «پیمایش ملی مشارکت در هنرها»<sup>۵</sup> سال های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۵، در صدد استفاده از مفهوم سرمایه فرهنگی برای توضیح تفاوت های نژادی و قومی در تحصیل برآمدند. آنها سرمایه فرهنگی را نشانه های فرهنگی سطح بالای جامعه می دانند که شامل نگرش ها، رفتارها، اولویت ها، مدارک تحصیلی و غیره می شود که برای «جامعیت و مانعیت اجتماعی و فرهنگی»<sup>۶</sup> مورد استفاده قرار می گیرد. «پیمایش ملی مشارکت در هنرها» شامل پرسشنامه ای درباره مصرف هنر، پیشینه خانوادگی، و جامعه پذیری فرهنگی پاسخگویان می شد. کالمیجن و کرای کمپ برای سنجش سرمایه فرهنگی از سوالاتی که درباره شرکت پاسخگویان در اجراهای هنری، موسیقی کلاسیک، رفتن به هنرکده ها، موزه ها... می شد، همچنین از سوالاتی که تشویق فرزندان به مطالعه را می سنجید، استفاده نموده اند.

**اسمرگر** (۱۹۶۶) در پژوهشی با عنوان «اثر انتخاب مدرسه و اجتماع در علاقه های خانواده و مدرسه»<sup>۷</sup>، سرمایه فرهنگی را منابع اجتماعی و فرهنگی سبک های زبانشناختی، الگوهای اقتدار، وضعیت عادت ها، اشیاء و نمادهای خانواده که توسط مدرسه مورد تاکید قرار می گیرد، می داند. برای سنجش سرمایه فرهنگی از شاخص

1-Katsillis J. , Rubinson, R.

2-Cultural Capital, Student Achievement and Educational Reproduction: The Case of Greece

3-Kalmijn Matthijs; Gerbert Kraaykamp

4-Race, Cultural Capital, and Schooling: An Analysis of Trends in the United States

5-Survey of Public Participation in the Arts (SPPA)

6-Social and cultural inclusion and exclusion

7-The Impact of School Choice and Community in the-Interest of Families and Schools

های میزان دشواری کمک به تکالیف مدرسه برای برخی از والدین، آشنایی یا فقدان آشنایی با زبان تکنیکی معلم و منابع مادی خانواده مثل کتاب، وسیله حمل و نقل وغیره استفاده نموده است (لاریو و وینینگر، ۲۰۰۳).

ام سی دونوف (۱۹۹۷) در پژوهشی با عنوان «انتخاب دانشگاه: فرصت های طبقه اجتماعی و ساختار مدرسه چگونه است؟» سرمایه فرهنگی را کالای نمادی شناخت ارزش های نخبگان می داند که در مدارس تدریس نمی شوند. او برای سنجش سرمایه فرهنگی از شاخص های آشنایی با مشاوران تحصیلی خارج از مدرسه و معلمان خصوصی، میزان استفاده از آنها، و میزان اهمیت ثبت نام فرزندان در سازمانهایی که دارای منابع کافی برای راهنمایی دانش آموزان در طول فرایندهای تحصیلی هستند، استفاده نموده است (لاریو و وینینگر، ۲۰۰۳).

آشافنبورگ و ماس<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) در پژوهش خود با عنوان «دوره های آموزشی و فرهنگی: پویایی های باز تولید اجتماعی» درصدد تحلیل اثر سرمایه فرهنگی در دوره های مختلف تحصیلی دانش آموزان هستند. آنها سرمایه فرهنگی را دستورالعملها و آداب و رسوم مسلط فرهنگی، سبک های زبانی، اولویت های زیبایی شناختی، شیوه های تعامل که مثل قانون در جامعه نهادینه شده اند، تعریف می نمایند. برای عملیاتی نمودن سرمایه فرهنگی والدین، دامنه ای از علایق فرهنگی آنها و فعالیت های فرهنگی متعلق به پایگاه بالا مثل بازدید از موزه یا تئاتر، همچنین نگرش و دانش افراد درباره این فعالیت های متعلق به فرهنگ والا را در نظر می گیرند. نکته قابل توجه در مقیاس آنها برای سنجش سرمایه فرهنگی دانش آموزان، این است که تمرکز آنها، بر حضور در حوادث فرهنگی والا، نگرش ها، یا میزان اطلاعات خاص آنها نیست، بلکه بر تعلیم و تربیت افراد در اشکال گوناگون هنر است. بنابراین سرمایه فرهنگی در نظر آنها شامل بازدید افراد از موزه ها و اماکن نمایش های هنری نمی شود بلکه شامل شرکت در کلاس های نقاشی، مجسمه سازی، و غیره می شود. از نظر آنها کلاس های فرهنگی مقیاسی قوی است از این لحاظ که نشانه سرمایه گذاری آگاهانه در اشکال فرهنگی والا است. به نظر آنها فتن به یک موزه یا محل اجرای نمایش خاص، ممکن است در شرایط

خاصی پیش بیاید، با این تفاوت که شرکت در کلاس های *Exclusive of SID* ثابت زمانی بعلاوه سرمایه گذاری مالی مستمر است.

ری (۱۹۹۸) در پژوهشی با عنوان « کار طبقه: مشارکت مادران در تحصیلات اولیه فرزندان» سرمایه فرهنگی را نظام گسترده ای از قابلیت های زبان شناختی، آداب، اولویت ها و گرایش هایی می داند که ابعاد دقیق مرتبط با فرهنگ و زبان به شمار می آیند. او برای سنجش سرمایه فرهنگی از شاخص های اعتماد والدین به قبول نقش مشاور تحصیلی، دانش تحصیلی، و شناخت کارایی دست یابی به معلمان، جهت پاسخگویی به شکایت های آنها، توانایی جبران کسری بودجه تحصیلی فرزندان استفاده نموده است (لاریو و وینینگر، ۲۰۰۳).

**لاریو و هرووات (۱۹۹۹)** در پژوهشی با عنوان « اهمیت جامعیت و مانعیت اجتماعی: نژاد، طبقه و سرمایه فرهنگی در روابط خانواده و مدرسه» سرمایه فرهنگی را منابع اجتماعی و فرهنگی والدین تعریف می کنند که تامین استانداردهای مسلط در تعاملات مدرسه را تسهیل می نمایند. و برای سنجش سرمایه فرهنگی از شاخص های میزان گستردگی دامنه لغات والدین، احساس حق برای تعامل برابر با معلمان، زمان، وسیله حمل و نقل، و تدابیر والدین برای مراقبت از نظم کودکان برای حضور در حوادث روزانه مدرسه، استفاده نمودند (لاریو و وینینگر، ۲۰۰۳).

**دی گراف و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۰)** در پژوهشی با عنوان «سرمایه فرهنگی والدین و موفقیت تحصیلی در هلند: پالایشی از رویکرد سرمایه فرهنگی»<sup>۲</sup> در صدد بررسی چگونگی تاثیر گذاری سرمایه فرهنگی خانواده بر موفقیت تحصیلی و ارزیابی دو مدل بورديو و دیماجیو در این زمینه، در عرصه نظری هستند. آنها سرمایه فرهنگی را نشانه های فرهنگی سطح بالایی که به شکل گسترده در یک جامعه پذیرفته شده است، تعریف می نمایند، و شامل رفتارها، ذائقه ها، و نگرش ها می شود. به منظور سنجش سرمایه فرهنگی دو جنبه خاص مشارکت در هنرهای زیبا (مدل بازتولید فرهنگی) و رفتار مطالعاتی والدین (مدل تحرک فرهنگی) را برای این سرمایه در نظر می گیرند، و با

[www.SID.ir](http://www.SID.ir)

سوالاتی از میزان حضور والدین در هنرهای زیبا (بازدید از موزه ها و حضور در محافل اجرای هنر) و رفتار مطالعاتی والدین، سرمایه فرهنگی را عملیاتی نموده‌اند. *Archived SID*

**بلکلدج** (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان « نوع نادرست سرمایه: زنان بنگلادشی و تحصیل فرزندان آنها در بیرمنگام»، سرمایه فرهنگی را منابع فرهنگی خصوصا ساختار های زبانی خانواده می داند که سازگاری با مدرسه را تسهیل می کند. برای سنجش سرمایه فرهنگی از شاخص های تکلم یا عدم تکلم به زبان انگلیسی در خانه، میزان احساس راحتی در نزدیک شدن و برقراری ارتباط با معلم، خواندن و نوشتن مطالب به زبان انگلیسی، و خواندن کتاب های داستان به هنگام خواب کودکان استفاده نمودند (لاریو و وپینگر، ۲۰۰۳).

**سالیوان**<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) در پژوهش خود با عنوان «سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی»<sup>۲</sup> درصد ارزیابی نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو و تاثیر طبقه و جنسیت بر موفقیت تحصیلی است. او سرمایه فرهنگی را آشنایی با فرهنگ مسلط جامعه، خصوصا توانایی فهم و استفاده از زبان آموزشی می داند، و برای سنجش سرمایه فرهنگی از سه شاخص استفاده نموده است:

#### ۱. فعالیت ها:

- الف- خواندن: نوع و میزان خواندن کتاب، استفاده از کتابخانه، و خواندن روزنامه ها
- ب- تماشای تلویزیون: نوع برنامه های انتخاب شده برای تماشا
- ج- موسیقی: نوع موسیقی که افراد گوش می دهند، و استفاده از آلات موسیقی.
- د- مشارکت در فرهنگ رسمی یا آشکار مثل بازدید از گالری های هنری، تئاتر، و حضور در کنسرت ها

۲. دانش فرهنگی: آزمون دانش افراد درباره اشکال معروف هنری

۳. زبان: مقیاس های سنجش واژه گان فعال و غیر فعال

**دیومیس**<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) در پژوهش خود با عنوان «سرمایه فرهنگی، جنسیت و موفقیت های مدرسه: نقش منش ها»<sup>۴</sup> درصد بررسی اثرات پایگاه اجتماعی- اقتصادی بر

سرمایه فرهنگی و منش های دانش آموزان و تاثیر این دو بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر است. او سرمایه فرهنگی را قابلیت های فرهنگی و ژنالی و دانش گسترده نسبت به فرهنگ طبقات بالا تعریف می نماید. برای سنجش مفهوم سرمایه فرهنگی از ۶ سوال مربوط به فعالیت های فرهنگی (امانت گرفتن کتاب از کتابخانه عمومی، حضور در کنسرت ها و دیگر حوادث موسیقایی، رفتن به موزه های هنری، شرکت در کلاس های هنری، موسیقی، و رقص خارج از مدرسه) موجود در پرسشنامه «مطالعه ملی و طولی آموزش و پرورش»<sup>۱</sup> سال ۱۹۸۸ ایالات متحده استفاده شده است. و سرمایه فرهنگی فرد مجموع شماره های فعالیت هایی است که دانش آموز در آن شرکت نموده است، و این عدد بین صفر تا شش است. برای سنجش عادت واره نیز از متغیر تصنعی انتظارات شغلی فرد برای سن ۳۰ سالگی خود و اعتقاد افراد درباره توانایی آنها برای کسب مشاغل معتبر، استفاده شده است (مشاغل تخصصی، اداری، یا تجاری).

**لاریو و وینینگر (۲۰۰۳)** در پژوهشی با عنوان «سرمایه فرهنگی در تحقیقات آموزشی: یک ارزیابی انتقادی» در صدد ارزیابی نتایج اهمیت مفهوم سرمایه فرهنگی در جامعه شناسی آموزش و پرورش کشورهای انگلیسی زبان هستند. به نظر ایشان سرمایه فرهنگی به ظرفیت طبقه اجتماعی در اعمال استانداردهای سودمند ارزیابی در نهادهای آموزشی تاکید می کند. بنابراین بحث سرمایه فرهنگی را با مهارت افراد در مدیریت رویارویی نهادی پیوند می دهند و بر اهمیت فرایند تعاملی در سطح خرد تاکید می نمایند. آنها در مطالعه تجربی خود درگیری خانواده های مختلف با مجموعه های بسیار متنوعی از نهاد ها، را برجسته می کنند و معتقدند که خانواده های طبقه متوسط در برخورد با ماموران رسمی نهادی احساس منحصر به فرد بودن و ذی حق بودن، می کنند و عملاً خواستار امتیازات خاص هستند. و مخصوصاً در برخورد با نهاد آموزشی عملاً موفقیت فرزندان خود را یک حق مشروع می دانند.

**کارتو (۲۰۰۳)** در پژوهشی با عنوان «سرمایه فرهنگی سیاهان، موقعیت پایگاهی، و تضادهای تحصیل برای جوانان آفریقایی- آمریکایی کم درآمد» سرمایه فرهنگی را ویژگی ها، رموز و نشانه ها فرهنگی که مجموعه ای از ذائقه ها، و تدابیر پیشرفت سبک

های زبانی، موسیقایی، یا تعاملی است، تعریف می‌کند. برای سنجش سرمایه فرهنگی از گزارش‌های دانش‌آموزان در مورد زبان کاربرد آنها، خصوصاً لهجه یا زبان خاص مورد استفاده، سبک‌های پوشاک، ساکت بودن یا پر حرف بودن آنها در کلاس، شیوه‌های تعاملی با معلم، استدلال درباره اینکه سبک‌های غیر مسلطی وجود دارد که باعث ایجاد پایگاه و پول در اجتماع می‌شود که در مدرسه دارای ارزش نیست، استفاده نمودند (لاریو و وینینگر، ۲۰۰۳).

**جی گر و هولم** (۲۰۰۷)<sup>۱</sup> در پژوهش خود با عنوان "آیا سرمایه اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی اثر طبقه اجتماعی را بر موفقیت تحصیلی در رژیم‌های پویای اسکاندیناوی را توضیح می‌دهد؟"<sup>۲</sup> سرمایه فرهنگی را انباشت آموزش و دانش و ذائقه‌ها، اولویت‌ها و اطلاعات عمومی از نظام آموزشی می‌دانند. آنها در پژوهش خود سرمایه فرهنگی را با پنج مقوله سنجیده‌اند؛ ۱- سطح تحصیل پاسخگو ۲- تعداد زبان‌های خارجی که فرد قادر به تکلم با آنهاست ۳- تعداد روزنامه‌هایی که فرد اشتراک دارد ۴- مطالعه کتاب‌ها ۵- علاقمندی به هنرهای بصری.

**بی یون** (۲۰۰۷)<sup>۳</sup> در پایان‌نامه دکترای خود در دانشگاه مینه‌سوتا با عنوان «سرمایه فرهنگی و موفقیت‌های مدرسه: مطالعه موردی کره جنوبی»<sup>۴</sup>، متغیر سرمایه فرهنگی والدین را در دو بعد در نظر گرفته است؛ ۱- عادت‌های مطالعه (تعداد روزنامه و مجلاتی که خانواده دارای اشتراک است، و تعداد کتاب‌هایی که والدین دارند). ۲- مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی متعالی (میزان حضور در تئاترهای زنده، و بازدید از موزه‌ها یا گالری‌های هنری یا کنسرت‌های موسیقی سمفونی کلاسیک، که ممکن است والدین به تنهایی یا به همراه دیگر اعضای خانواده شرکت نمایند). سنجش سرمایه فرهنگی دانش‌آموزان نیز در دو بعد صورت گرفته است؛ ۱- عادت‌های مطالعه دانش‌آموزان (تعداد کتاب‌های ادبی که دانش‌آموزان در سه سال آخر دبیرستان مطالعه کرده

1-Mads Meier Jaeger, Anders Holm

2-Does Parents Economic, Cultural, and Social Capital Explain the Social Class Effect on Educational Attainment In the Scandinavian Mobility Regime?

3-Soo-yong Byun

4-Cultural Capital and School Success: The Case of South Korea

اند، و تعداد کتاب های آموزشی عمومی (تاریخی، فلسفی، علوم و...) که دانش آموز در سه سال آخر دبیرستان مطالعه نموده اند). ۲- مشارکت فرهنگی دانش آموزان (میزان حضور در تئاترهای زنده، و بازدید از موزه ها یا گالری های هنری یا کنسرت های موسیقی سمفونی کلاسیک، که ممکن است به همراه والدین یا به تنهایی باشد).

**ترامونت و ویلیامز**<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در پژوهش خود با عنوان «سرمایه فرهنگی و اثرات آن بر نتایج تحصیلی» در تعریف عملیاتی از منابع فرهنگی خانواده، دو نوع متمایز از سرمایه فرهنگی را معرفی می نماید؛ ۱- سرمایه فرهنگی ایستا که شامل فعالیت ها و آداب و رسوم متعالی می شود و نشانگر مزیت های اجتماعی و اقتصادی خانواده است، مثل مالکیت کالاهای متعلق به فرهنگ متعالی از قبیل کارهای هنری، آلات موسیقی، و فعالیت های والا مثل رفتن به موزه ها، تئاترها و غیره. ۲- سرمایه فرهنگی ارتباطی که شامل تعاملات و ارتباطات فرهنگی بین والدین و فرزندان می شود و همچنین منابع و تجربی را دربر می گیرد که به واسطه آنها فرزندان یک خانواده قادر به تعامل استراتژیک و موفقیت آمیز در دستیابی به اهداف خود در جامعه می شوند، مثل بحث ها و گفتگوهای آنها درباره مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فعالیت های مدرسه و کتاب هایی که فرزندان مطالعه می نمایند. جمع بندی و ارائه طبقه بندی منطقی از تلاش های نظری و تجربی بیان شده در خصوص مفهوم سرمایه فرهنگی می تواند شیوه ای برای حرکت به سوی تعریف و سنجش این مفهوم تلقی پردد. نظریه ی سرمایه فرهنگی در ایران هم نسبت به شکل گیری پژوهش هایی تجربی در برخی عرصه ها شده است.

**شارع پور و خوش فر** (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان، مطالعه موردی شهر تهران» با در نظر گرفتن ابعاد سه گانه تجسم یافته، عینی و نهادی سرمایه فرهنگی، برای سنجش این مفهوم، از مدارک تحصیلی به همراه میزان مصرف کالاهای فرهنگی و تمایلات روانی افراد برای استفاده از این نوع کالاها، به عنوان شاخص ترکیبی سنجش سرمایه فرهنگی استفاده نموده اند.

**نوغانی** (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «تاثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان پیش دانشگاهی در دست یابی به آموزش عالی» برای سنجش

سرمایه فرهنگی از دو مقوله مالکیت کالاهای فرهنگی و رفتارها و رویه های فرهنگی مثل بازدید از موزه ها، نمایشگاههای علمی - هنری و عادات مطالعه والدین استفاده نموده است.

**خدایی (۱۳۸۸)** در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه سرمایه اقتصادی و فرهنگی والدین دانش آموزان با احتمال قبولی آنها در آزمون سراسری سال تحصیلی ۱۳۸۵» تحصیلات پدر و مادر را به عنوان شاخص سرمایه فرهنگی آنها در نظر گرفته است. بررسی و تلفیق کوشش های نظری و تجربی انجام شده در خصوص ماهیت مفهوم سرمایه فرهنگی می تواند شیوه ای برای ترسیم الگوی سنجش سرمایه ی فرهنگی تلقی شود.

### به سوی سنجش سرمایه فرهنگی

بررسی مطالعات نظری و تجربی اشاره شده در این مقاله نشان می دهد، تعریف واحدی از مفهوم سرمایه ی فرهنگی ارائه نشده است. با این وجود، می توان وجه مشترکی را در این تعاریف یافت. در نظریه سرمایه فرهنگی ابعاد و عناصر فرهنگی می تواند به عنوان منابع تسهیل کننده برای دسترسی به موقعیت ها، امتیازات و پاداش- های کمیاب و ارزشمند تلقی شود. مفهوم سرمایه ی فرهنگی بر چنین منابعی (ذهنی و عینی) اشاره دارد. به عبارتی روشن تر و در نگاهی تلفیقی می توان اشاره نمود که سرمایه فرهنگی شامل "دارایی ها، فعالیت ها و اطلاعات فرهنگی"، مدارج تحصیلی، منش، انتظارات، تعاملات فرهنگی در عرصه ی اجتماعی، و نیز گرایش و نگرش عامل اجتماعی به ارزش ها و عناصر فرهنگی می باشد. با طبقه بندی شاخص های بکارگرفته شده در مطالعات تجربی، سعی می شود تعریف ارائه شده وضوح بیشتری یابد و مدل سنجش سرمایه فرهنگی ترسیم گردد.

شاخص های به کار گرفته شده برای سنجش سرمایه فرهنگی در پژوهش های تجربی عبارتند از:

۱. مدارک تحصیلی، که در تقسیم بندی بورديو از انواع سرمایه فرهنگی شکل خاصی از این سرمایه یعنی سرمایه فرهنگی نهادینه شده محسوب می شود. این شاخص برای تمایز قائل شدن بین آموخته های خود شخص که هر لحظه ممکن است زیر سوال



برود و سرمایه فرهنگی کسب شده از طریق، طی مراحل آموزشی که دارای اعتبار و ضمانت قانونی است به کار می رود.

## Archive of SID

۲. دارایی های فرهنگی که در قالب اشیاء مادی و کالاهای متعلق به فرهنگ متعالی مثل نوشته ها، نقاشی ها، مجسمه ها، ابزارها و کارهای هنری، آلات موسیقی، کتاب، امکانات لازم برای مطالعه، ابزار و وسایل دقیق و غیره عینیت یافته اند. این دارائی ها هم همچون سرمایه اقتصادی قابل انتقال بین افراد است. با وجود این، این نوع از دارائیها به دلیل ارتباط تنگاتنگ استفاده از آنها با دانش و بینش خاص آنها (مثل قابلیت های لازم برای استفاده از کتابخانه شخصی، آلات موسیقی خاص و غیره) متمایز از کالاهای اقتصادی یا مادی مثل اتومبیل یا منزل مسکونی است.

۳. مصرف و استفاده از کالاهای فرهنگی خاص مثل تماشای نوع خاصی از برنامه های تلویزیون و مصرف موسیقی خاص، عادت های مطالعه که شامل نوع و میزان خواندن کتاب، استفاده از کتابخانه، خواندن روزنامه ها و مجلات، اشتراک روزنامه و مجلات، استفاده از اینترنت و همچنین فعالیت های فرهنگی مثل خلق هنرهای بصری و فعالیت های علنی از قبیل رفتن به موزه ها، تئاترهای زنده، سینما و مشارکت در هنر های زیبا، مشارکت در فرهنگ رسمی یا آشکار، پیگیری حوادث هنری، مسافرت های فرهنگی، شرکت در کلاس های فرهنگی و هنری را شامل می شود.

۴. دانش فرهنگی غیر رسمی افراد که شامل:

۱- آشنایی، درک ارزش، و دانش تاریخی درباره عرصه های گوناگون فرهنگ و هنر مسلط، مثل ادبیات، موسیقی، هنر و غیره.

۲- دانش زبانشناختی افراد که شامل میزان آشنایی و تکلم با زبان مسلط فرهنگی، آشنایی و تکلم به زبان های گوناگون، دامنه واژه گان فعال و غیر فعال افراد و میزان گستردگی الگوهای زبانی آنها در مکالمات جاری می شود.

۳- دانش افراد از نهادها و سازمان های رسمی در تعامل و پیگیری منافع خود.

۵. شاخص های رابطه ای سرمایه فرهنگی که شامل:

۱- شاخص های مربوط به روابط فرهنگی فضای درون خانواده که نشانگر کیفیت و کمیت ارتباطات فرهنگی بین اعضای خانواده با یکدیگر است و شامل شاخص ها و گفتگوهای آنها درباره مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و فعالیت های آنها می شود.

۲- شاخص های مربوط به روابط خانواده با فضای اجتماعی بیرون خانواده، که نشانگر کمیت و کیفیت مدیریت تعامل با بیرون خانواده، خصوصا تعامل نهادی برای تامین و پیگیری منافع اعضای خانواده می شود.

۶. شاخص های مربوط به سنجش منش<sup>۱</sup> که شامل شاخص های سنجش نگرش و گرایش افراد به فرهنگ و مظاهر آن، تصورات افراد از جهان اجتماعی پیرامون خود، جایگاه خود در این عرصه و انتظارات شغلی و پایگاهی می گردد.

مدل سنجش سرمایه فرهنگی که در نمودار ۱ آمده است، الگویی است که بر اساس انواع سه گانه سرمایه فرهنگی که بورديو آنها را معرفی می نماید، ترسیم شده و در بر دارنده کلیه شاخص هایی است که توسط پژوهشگران مختلف برای سنجش سرمایه فرهنگی به کار گرفته شدند. کلیه این انواع و شاخص ها می توانند در دو بعد ذهنی و عینی طبقه بندی شوند و در سطح خرد برای سنجش سرمایه فرهنگی افراد مورد استفاده قرار گیرند:

۱- بعد ذهنی که شامل سرمایه فرهنگی درونی شده است، شامل کلیه توانایی های بالقوه ای است که به تدریج در طی فرایند جامعه پذیری بخشی از وجود فرد شده اند و در او تثبیت گردیده اند. پیشینه تجربی نمایانگر این است که این بعد از سرمایه فرهنگی در پژوهش های تجربی با دو مولفه دانش فرهنگی افراد و منش های آنها عملیاتی شده است. دانش فرهنگی شامل آگاهی های افراد از نظام های نهادی از قبیل سیستم آموزشی و مقررات آن، دانش زبانشناختی آنان و آشنایی و دانش تاریخی افراد درباره ادبیات، هنر و موسیقی و درک ارزش آنهاست. مولفه منش های افراد را هم می توان با چهار مولفه نگرش افراد نسبت به خود و فضای اجتماعی اطراف، فرهنگ خاص و مظاهر و ارزش های آن و انتظارات افراد برای دست یابی به مشاغل و پایگاههای اجتماعی خاص و تمایلات آنها برای استفاده از کالاهای فرهنگی عملیاتی نمود.

۲- بعد عینی سرمایه فرهنگی که شامل سرمایه فرهنگی نهادینه شده و سرمایه فرهنگی عینیت یافته است را می توان با سه مولفه رفتار، دارائی های فرهنگی و مدارک تحصیلی افراد عملیاتی نمود. داراییهای فرهنگی شامل مالکیت کالا های فرهنگی مثل کتاب، اسباب و لوازم استفاده از کتاب، رایانه، کارهای هنری، و غیره است. مدارک تحصیلی یا همان سرمایه فرهنگی نهادینه شده هم شامل مدارک و گواهی نامه های رسمی تحصیلی می گردد. مولفه رفتار هم با چهار شاخص مصرف فرهنگی افراد و فعالیت های فرهنگی آنان، مثل میزان حضور افراد در حوادث فرهنگی محیط زندگی خود، میزان پیگیری این حوادث از طریق رسانه ها، استفاده از کالاهای فرهنگی مثل کتاب، کتابخانه و غیره می شود. تعاملات فرهنگی افراد در خانواده هم، شامل کمیت و کیفیت ارتباطات افراد در فضای خانواده از قبیل بحث ها و گفتگوهای آنها درباره اولویت های اجتماعی، فرهنگی، مسائل سیاسی، و همچنین فضای اجتماعی و نهادی مرتبط با زندگی جاری افراد خانواده مثل نظام آموزشی فرزندان می گردد. تعاملات فرهنگی بیرون خانواده شامل مدیریت تعاملی نهادی در سطح خرد، مثل میزان پیگیری های منافع اعضای خانواده در برخورد با نهادهای رسمی از قبیل نظام تحصیلی فرزندان، باشگاه ورزشی آنها و نهادهای دیگر عملیاتی نمود.

# نمودار ۱: مدل سنجش سرمایه ی فرهنگی

## Archive of SID

### سرمایه فرهنگی

بعد عینی

بعد ذهنی

مدارک تحصیلی

دارائیهای فرهنگی

منش ها

دانش فرهنگی

رفتارها

تصورات افراد از جهان اجتماعی پدرامون خود و جایگاه آنها در این عرصه

نگرش و گرایش افراد به فرهنگ خاص و متظاهر آن

دانش زیانناختی افراد

دانش افراد از نهاد ها و سازمان های رسمی

فعالیت های فرهنگی

مصرف کالاهای فرهنگی

انتظارات شفلی و پایگاهی

تمایلات افراد برای استفاده از کالاهای فرهنگی

دانش افراد از عرصه های گوناگون فرهنگ و هنر مسلط

تعاملات فرهنگی اجتماعی و مدیریت تعاملی نهادی

تعاملات فرهنگی درون خانواده

[www.SID.ir](http://www.SID.ir)

## Archive of SID

## منابع و مأخذ

- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۳) تحلیلی از اندیشه پیر بوردیودر باره فضای اجتماعی منازعه آمیز اجتماعی و نقش جامعه شناسی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳ (۲۵-۱).
- خدایی، ابراهیم (۱۳۸۸) بررسی رابطه سرمایه اقتصادی و فرهنگی والدین دانش آموزان با احتمال قبولی آنها در آزمون سراسری سال تحصیلی ۱۳۸۵، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال اول، شماره ۴.
- شارع پور، محمود و غلامرضا خوش فر (۱۳۸۱) رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان «مطالعه موردی شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰ صص ۱۴۷-۱۳۳.
- نوغانی، محسن (۱۳۸۲) تاثیر نابرابری سرمایه های فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان پیش دانشگاهی در دست یابی به آموزش عالی، فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۹۱.
- Aschaffenburg, K. & Maas, I. (1997). Cultural and educational careers: The dynamics of social reproduction. *American Sociological Review*, 62: 573-587.
- Blasko, Z. (2003). Reproduction or cultural mobility. *Review of Sociology* Vol. 9, 5-26
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. G. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241-258), New York: Greenwood
- Bourdieu, P., & Passeron, J. C. (1977). *Reproduction in education, society, and culture*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Byun, S.Y. (2007). *Cultural Capital And School Success: The Case Of South Korea*. The University Of Minnesota
- De Graaf, N. D., De Graaf, P. M., Kraaykamp, G. (2000). Parental cultural capital and the educational attainment in the Netherlands: A refinement of the cultural capital perspective. *Sociology of Education*, 73: 92-111.
- DiMaggio, P. (1982). Cultural capital and social success: The impact of status culture participation on the grades of high school students. *American Sociological Review*, 47, 189-201.
- Dumais, S. A. (2002). Cultural capital, gender, and school success: The role of habitus. *Sociology of Education*, 75(1), 44-68.
- Farkas, G., Grobe, R. P., Sheehan, D., Shuan, Y. (1995). Cultural resources and school success: gender, ethnicity, and poverty groups within an urban school district. *American Sociological Review* 55 (1), 127-142.

- Ganzeboom, H. B. G., De Graaf, P. M., Róbert, P. (1990). Cultural reproduction theory on socialist ground: Intergenerational transmission of inequalities in Hungary. In Kalleberg, A. L. (ed): Research in Social Stratification and Mobility, 9: 79–103.
- Jaeger, M. M., Holm, A. (2007). Does parents' economic, cultural, and social capital explain the social class effect on educational attainment in the Scandinavian mobility regime?. Social Science Research 36 , 719–744
- Janalizadeh Choobbasti, H. (2005), Social Capital And Scientific Eminence: An Analytical Synthesis. PHT. University Of Bradford
- Kalmijn, M., Kraaykamp, G. (1996). Race, cultural capital and schooling. Sociology of Education, 69: 22–34.
- Lamont, M., & Lareau, A. (1988). Cultural capital: allusions, gaps, and glissandos in recent theoretical developments. Sociological Theory 6 (2), 153–168.
- Lareau, A., & Weininger, E. B. (2003). Cultural capital in education research: a critical assessment. Theory and Society 32, 567–606.
- Sullivan, A. (2001). Cultural capital and educational attainment. Sociology, 35; 893- 912
- Tramont, L. & Willms, J. D. (2009), Cultural capital and its effects on education outcomes, Economics of Education Review
- Wang, S., Davis, D., Bian, Y. (2006). The Uneven Distribution of Cultural Capital: Book Reading in Urban China